



۴۰ سال مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم

کارگران و زحمتکشان!

سالگرد نبرد حماسی سیاهکل است و ۴۰ سال مبارزه‌ی سازمان ما که به رغم افت و خیزهای جنبش کمونیستی و تحولات آن، همواره یکی از تأثیرگذارترین جریان‌های درون جنبش کارگری و کمونیستی ایران بوده است.

سیاهکل، فرزند زمانه‌ی خود بود و مبارزه‌ای که شرایط مشخص در یک دوره‌ی تاریخی معین، توجیه‌گر نیاز و ضرورت آن. حماسه‌آفرینان فدایی که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه سیاهکل، در جنگ‌های شمال جنگیدند، قهرمانانه ایستادند و در نبردی نابرابر، جان باختند، یک وظیفه‌ی بزرگ را بر عهده گرفته بودند. آن‌ها با به اهتزاز درآوردن پرچم سرخ مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم، در یکی از سیاه‌ترین دوره‌های سلطه‌ی رژیم دیکتاتوری و اختناق شاه که با دستگاه پلیسی و امنیتی‌اش، جو ترس، رعب و وحشت را بر جامعه حاکم کرده بود، با صدایی رسا به رژیم اعلان جنگ دادند. این سرآغازی بود بر مبارزه‌ی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، در کشوری که رژیم شاه در دوران پرتلاطم سیاسی جهان، بر آن، جزیره‌ی ثبات و آرامش نام نهاده بود.

جزیره ثبات و آرامش بر هم خورد. سکون و بی‌تفاوتی، تا جایی که به بخش آگامتر توده‌های مردم ارتباط می‌یافت، به زودی جای خود را به حرکت و مبارزه‌ی فعال داد. شور و اشتیاق به مبارزه‌ی متشکل و فعال چنان بالا گرفت که به رغم وحشی‌گری و سرکوب‌های بی‌رحمانه‌ی رژیم شاه، و کشتار صدها تن از فدائیان که در صفوف سازمان پیکار کردند و جان باختند، گروه گروه انقلابیون کمونیست به سازمان پیوستند و پرچم اهداف و آرمان‌های کمونیستی را برافراشته نگه داشتند. زندان‌های رژیم شاه با هزاران فدایی انباشته شد. وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها به اجرا درآمد. اما دیگر پایانی بر مبارزه نبود. نفوذ و اعتبار سیاسی سازمان مدام افزایش یافت. دانشجویان دانشگاه‌ها، با برپایی تظاهرات متعدد، جانبداری خود را از سازمان اعلام نمودند. پیشروترین کارگران، اهداف و آرمان‌های کمونیستی خود را در سازمان یافتند و در صفوف آن مبارزه کردند. نفوذ معنوی در میان توده‌های کارگر و زحمتکش چنان افزایش یافت که عینیت مادی آن را همراه با قیام، در جریان روی آوری گسترده کارگران به صفوف سازمان و نفوذ و اعتبار آن در کارخانه‌ها و دیگر مراکز کارگری شاهد بودیم.

این تأکید بر نقش و مبارزه‌ی سازمان، هرگز به این معنا نبوده و نیست که ضعف‌ها، اشتباهات و انحرافات نظری و عملی نادیده انگاشته شوند. هر جریانی که مبارزه می‌کند، قطعاً اشتباه هم می‌کند. نقد خود، از همان آغاز، جزئی جدایی‌ناپذیر از سازمان ما بوده است. در دوران قبل از قیام، سازمان به دفعات، نظرات و اقدامات عملی خود را مورد انتقاد قرار داد و پس از قیام نیز فدائیان اقلیت، از موضعی انقلابی و مارکسیستی، نقاط ضعف، اشتباهات، اشکالات و انحرافات نظری و عملی سازمان را نه فقط در عرصه کاربرد عمل مسلحانه، بلکه در حیطه‌ی وسیع‌تر ایدئولوژیک - سیاسی به نقد کشیدند. هدف نقد، ارتقاء است. پالایش و ارتقای سازمانی که موجودیت‌اش بر کمونیست بنا گردید و مبارزه‌اش در خدمت طبقه کارگر و اهداف و آرمان‌های آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی این طبقه.

بنابراین تأکید ما بر نقش و تأثیر سیاهکل و مبارزات سازمان، با نگرشی نقادانه و کمونیستی همراه است. اگر امروز نه صرفاً سازمان فدائیان (اقلیت) که خود را پاسدار سنت‌های انقلابی کمونیستی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران می‌داند و نبرد سیاهکل را سالروز اعلام موجودیت سازمان، بلکه حتا در مقیاسی بسیار فراتر از تعدادی سازمان‌های سیاسی، بر نبرد حماسی سیاهکل و مبارزات سازمان، ارج نهاده می‌شود، دقیقاً به خاطر تأثیر عمیق و مثبتی است که این رویداد در ایران بر جای نهاده و به جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی مبارزاتی توده‌های کارگر و زحمتکش تبدیل شده است.

اما چه چیزی شاخصه‌ی سیاهکل و مبارزه‌ی سازمان در گذشته بود که تأثیرگذاری آن را توضیح می‌دهد و امروز ما به عنوان سازمان فدائیان (اقلیت) خود را حافظ و پاسدار سنت‌های انقلابی آن می‌دانیم؟

سازمان ما از همان آغاز، موجودیت خود را به عنوان یک سازمان کمونیست، زیر پرچم مارکسیسم - لنینیسم اعلام نمود. مبارزه‌ای که از سیاهکل آغاز شد و ادامه یافت، آموخت که برای کمونیسم، برای آزادی و سوسیالیسم، باید پیگیرانه جنگید و با قهرمانی، از خود گذشتگی، استواری و فداکاری مبارزه کرد. سازش با نظم موجود، هرگز در مرام کمونیست‌ها نیست. لحظه‌ای نباید آرمان‌ها و اهداف طبقه کارگر و انقلاب کارگری را فراموش کرد. سازش و بند و بست با سرمایه‌داران و ثروتمندان، امپریالیست‌ها و تمام مرتجعین دشمن آزادی و سوسیالیسم، هرگز در مرام و عقیده ما نیست. راه ما کمونیست‌ها از تمام سازش‌کارانی که می‌خواهند نظم موجود را با وصله و پینه کردن آن از طریق به اصطلاح اصلاحات، نجات دهند، به کلی جداست. انقلاب ضروری است و طبقه‌ی ارتجاعی حاکم را فقط با قهر انقلابی، می‌توان سرنگون کرد. سیاهکل نشان داد که راه ما کمونیست‌ها

از تمام فرصت‌طلبان و تجدیدنظرطلبانی که به مارکسیسم و کمونیسم پشت می‌کنند، جداست. یک چنین شاخصه‌های نظری و عملی - سیاسی بود که سازمان را در قلب توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران جای داد و لکه ننگی را که حزب توده از خود در جنبش بر جای نهاده بود و به ناروا به کمونیسم نسبت داده شده بود، پاک کرد. سازمان ما سیمائی نوین و کارنامه‌ی درخشانی از کمونیست‌های ایران به کارگران و زحمتکشان ارائه داد و اعتماد سیاسی توده مردم را که نیاز جدی هر سازمان سیاسیست به دست آورد.

از همین روست که وقتی قیام توده‌های مردم ایران، رژیم سلطنتی را به گورستان تاریخ می‌فرستد، به رغم این که ارتجاع تمام قدرت خود را برای به شکست کشاندن انقلاب به کار می‌گیرد و بیش از همه، کارگران و سازمان‌های کمونیست و چپ در معرض سرکوب و فشار قرار می‌گیرند، با این وجود، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران از چنان قدرتی برخوردار است که تظاهرات و راهپیمایی‌های صدها هزار نفره در تهران برگزار می‌کند. نشریه کار، ارگان سازمان جزء پرتیراژترین نشریات کشور است. در تمام مهم‌ترین کارخانه‌ها و مؤسسات تولیدی و خدماتی حوزه‌های سازمانی در حال فعالیت‌اند. نفوذ سازمان تا دورترین روستاها نیز کشیده شده است. سازمان ما نقش مهمی در سازماندهی جنبش شورایی ترکمن صحرا دارد، به گسترش شوراها در سراسر ایران یاری می‌رساند و عمده‌ترین نیروهای جنبش دانشجویی طرفدار فدائیان‌اند.

اما درست در شرایطی که سازمان ما به یک جریان قدرتمند با پایگاه وسیع توده‌ای تبدیل شده بود، متأسفانه نتوانست از پس وظایفی که در این لحظه بر عهده داشت برآید. اشکال کار در کجا بود و چه شد که از درون سازمانی با این سوابق درخشان، گروهی به نام فدائیان اکثریت سر برآوردند که به جنگ گذشته‌ی کمونیستی سازمان برخاستند، مبارزات آن را تخطئه کردند، به اهداف و منافع توده‌های زحمتکش پشت کردند و سرانجام هم به دنبال‌چه حزب رسوای توده و ارتجاع حاکم بر ایران تبدیل شدند؟

ریشه‌ی نظری پیدایش این پدیده را که دنبال کنیم، باید گفت که متأسفانه در مواضع گذشته سازمان، یک انحراف و گرایش عموم خلقی وجود داشت. این گرایش البته در شرایط پیش از سال ۵۵ که مبارزه‌ی حادی در جریان بود و سازمان قدرتمند، نمی‌توانست رشد کند و تبدیل به یک جریان تأثیرگذار بر مواضع نظری و پراتیک انقلابی سازمان گردد.

در جریان ضرباتی که ساواک رژیم شاه در سال‌های ۵۴ و ۵۵ به سازمان وارد آورد، برجسته‌ترین کادرها، اعضای رهبری سازمان و در رأس آن‌ها رهبر برجسته سازمان، رفیق حمید اشرف، جان باختند. سازمان نه فقط دچار نوعی از هم گسیختگی تشکیلاتی گردید، بلکه از داشتن یک رهبری سیاسی که مهم‌ترین نقش را در یک سازمان کمونیستی بر عهده دارد، محروم گردید. این ضربات، تزلزل و تردید در میان عناصر ناپایدار پدید آورد. زمینه برای رشد گرایش عموم خلقی درون سازمان هموار شده بود. آن‌چه که باز هم به این گرایش میدان می‌داد، تغییرات سیاسی بود که در مقیاس جامعه در حال رخ دادن بود. توده‌های مردم ایران قدم به عرصه‌ی مبارزه‌ی سیاسی فعال نهاده بودند و جنبش توده‌ای پیوسته اعتلا می‌یافت.

اوضاع سیاسی جدید، وظایف و تاکتیک‌های نوینی را می‌طلبید. مواضع و خط مشی گذشته سازمان دیگر پاسخ‌گوی شرایط جدید نبود. خط مشی گذشته فرو ریخته بود و سازمان هنوز جایگزینی برای آن نداشت. یک چنین اوضاعی نه فقط مانع از آن گردید که سازمان بتواند نقش مهمی در جنبش و مبارزه‌ی طبقاتی در حال اعتلا در آستانه قیام ایفا کند، بلکه اکنون از جهت نظری نیز کاملاً بی‌حفاظ شده بود. تمام شرایط برای رشد گرایش عموم خلقی و تبدیل شدن آن به یک جریان اپورتونیست - رویزیونیست فراهم شده بود. اکنون قیام هم به همراه خود موج وسیعی از روشنفکران خرده بورژوا را به درون سازمانی سوق می‌داد که نه برنامه داشت و نه استراتژی و تاکتیک مشخص که نشان دهد، کمونیست بودن و مارکسیست و لنینیست بودن‌اش در کجا تبلور عینی پیدا می‌کند. این نیز گرایش راست را تقویت می‌کرد.

جناح چپ و مارکسیست سازمان که به جناح فدائیان اقلیت معروف گردید، سرمست از پیروزی‌های سازمان، همین که به خود آمد، دریافت که گرایش اپورتونیست - رفرمیست، مرکزیت سازمان را قبضه کرده است و همفکران خود را در رأس شاخه‌ها و بخش‌های مختلف سازمان قرار داده است. تنها چند مورد در این میان استثنا بود، که آن هم نتیجه‌ی قدرت برتر مطلق جناح انقلابی سازمان در این بخش‌ها بود. مبارزه‌ی پر دامنه آغاز گردید.

جناح فدائیان اقلیت خواهان تدوین فوری برنامه و مجموعه‌ای از تاکتیک‌های منسجم کارگری برای مشخص کردن خط مشی و مواضع سازمان و تأکید بر ماهیت طبقاتی بورژوازی و خصلت مذهبی جمهوری اسلامی، به عنوان یک رژیم ارتجاعی و ضد مردمی بود. جناح موسوم به اکثریت که هنوز می‌کوشید، مواضع توده‌ای ضد مارکسیستی خود را پنهان دارد، از پذیرش پیشنهادات جناح اقلیت سر باز زد و در عمل به عنوان دنبال‌چه حزب توده، به مدح و ثنای رژیم ارتجاعی و ضد انقلابی جمهوری اسلامی و جنایتکار و عوام‌فریب بزرگ، خمینی، برخاست و بزرگترین ضربه را به سازمان وارد آورد. انشعاب ناگزیر گردید و جناح مارکسیست سازمان، فعالیت مستقل خود را برای پاسداری از سنت‌های انقلابی سازمان، دفاع از مارکسیسم و مبارزه برای سرنگونی نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران ادامه داد.

اکنون ما به عنوان فدائیان اقلیت می‌بایستی مبارزه را در شرایط بسیار دشوار و پیچیده‌ای ادامه دهیم. مبارزه‌ی در دو جبهه. از یک طرف در حالی که انشعاب، ضرورت تجدید سازماندهی را در برابر ما قرار داده بود، جمهوری اسلامی حملات گسترده خود را علیه سازمان متمرکز کرد، تا این فرصت را از ما بگیرد و ما می‌بایستی درگیر مبارزه برای خنثا کردن حملات پی در پی رژیم باشیم.

با یورش رژیم برای بازپس گرفتن آخرین دست آوردهای انقلابی مردم ایران، سازمان ما، بنا به سنت‌های انقلابی خود، راه ایستادگی و مقاومت قهرمانانه‌ای در برابر ارتجاع حاکم را برگزید. عقب‌نشینی بدون نبرد در سنت سازمان ما نبود. مکرر شاخه‌های تشکیلاتی سازمان ما زیر ضربه قرار می‌گرفت اما با ابتکار و تلاش اعضا و هواداران سازمان به فوریت بازسازی می‌شدند. در جریان این نبرد با رژیم سر تا پا ارتجاعی و ضد انسانی جمهوری اسلامی، رقیمی نزدیک به ۷۰۰ تن از اعضا و

هواداران سازمان در سراسر ایران توسط رژیم جمهوری اسلامی اعدام شدند و به قتل رسیدند. اکثریت اعضای کمیته مرکزی سازمان و اغلب اعضای کمیته‌های رهبری تشکیلات در جریان این نبردها که تا سال ۱۳۶۴ به طول انجامید، جان باختند. هزاران تن دستگیر و به حبس محکوم شدند که گروهی از آنان نیز در جریان قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ اعدام شدند. از طرف دیگر، سازمان ما می‌بایستی برنامه و تاکتیک‌های نوین را منطبق با شرایط پس از قیام تدوین کند. مبارزه ایدئولوژیک بر سر این مسئله نیز جبهه دیگری از مبارزه ما بود.

با انشعاب بزرگ، تمام کسانی که جمهوری اسلامی را ارتجاعی می‌دانستند، به جناح فدائیان اقلیت پیوسته بودند. در جریان بحث‌ها بر سر برنامه و تاکتیک‌ها آشکار گردید که گروهی از کسانی که در صفوف اقلیت قرار داشتند، حاضر نیستند مواضع محکم مارکسیستی اتخاذ کنند. آن‌ها به یاران نیمه راه تبدیل شدند و سال‌ها بعد که اغلب آن‌ها مواضع مارکسیستی را کنار نهادند و به جمهوری‌خواه و طرفدار ائتلاف با سازمان‌های بورژوازی تبدیل شدند، روشن ساختند که از همان آغاز به اشتباه در جبهه فدائیان اقلیت قرار گرفته بودند.

سازمان ما، حتا در دشوارترین شرایط که لطمات سختی به تشکیلات وارد آمد، استوار و شکست‌ناپذیر ایستاد. بر مواضع مارکسیستی - لنینیستی خود و دفاع از منافع کارگران پای فشرد و اکنون در چهلمین سالگرد سیاهکل و بنیانگذاری سازمان، با افتخار به پای‌بندی‌اش به کمونیسم، دفاع خدشه‌ناپذیر از منافع کارگران و از مواضع این طبقه، از منافع عموم توده‌های زحمتکش و ستمدیده، به مبارزه خود در راه آزادی و سوسیالیسم ادامه می‌دهد.

سازمان فدائیان (اقلیت) در چهلمین سالگرد بنیان‌گذاری سازمان، بار دیگر تأکید می‌کند که راه نجاتی برای توده‌های مردم ایران، جز یک انقلاب اجتماعی کارگری وجود ندارد. فوری‌ترین وظیفه‌ای که امروز در برابر ما قرار دارد، تلاش برای تشکیل طبقه کارگر و ارتقای سطح آگاهی طبقاتی کارگران است. ایجاد تشکلهای کارگری، به ویژه تشکلهای مخفی از نمونه کمیته‌های مخفی کارخانه، یکی از ضرورت‌های کنونی جنبش کارگری است. هیچ تحول جدی به نفع توده‌های وسیع مردم ایران نمی‌تواند رخ دهد، مگر از طریق یک انقلاب اجتماعی که وظیفه فوری آن سرنگونی جمهوری اسلامی، استقرار یک دولت شورایی، اجرای بی‌درنگ مطالبات عمومی مردم ایران و گذار به سوسیالیسم است.

تجربه تمام مبارزات توده‌های مردم ایران نشان می‌دهد که اشکال مبارزه‌ی توده‌ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی، اشکال مبارزاتی مختص طبقه کارگر و در رأس آن‌ها اعتصاب است.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برپایی اعتصابات عمومی سیاسی یک ضرورت انکارناپذیر است. یک چنین اعتصاباتی وقتی که با راهپیمایی و تظاهرات تلفیق شوند، قادرند ضرباتی خردکننده بر رژیم وارد آورند. تجربیات مبارزاتی مردم ایران و سراسر جهان، همواره نشان داده است که طبقات حاکم مرتجع، هیچ‌گاه با مسالمت کنار نمی‌روند و از قدرت دست برنمی‌دارند. قیام مسلحانه، مکمل اعتصاب عمومی سیاسی برای سرنگونی رژیم سر تا پا مسلح و به غایت سرکوبگر و فاشیست جمهوری اسلامی است.

سازمان فدائیان (اقلیت) در چهلمین سالگرد سیاهکل، یاد تمام جان‌باختگان فدایی را که در طول این سال‌ها در راه اهداف و آرمان‌های کمونیستی سازمان و مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم جان باختند، گرامی می‌دارد و راه آن‌ها را تا پیروزی نهایی طبقه کارگر ادامه خواهد داد.

سازمان فدائیان (اقلیت) به تمام مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم درود می‌فرستد و به تلاش و مبارزه خود برای برپایی یک انقلاب اجتماعی و استقرار نظامی سوسیالیستی متشکل از انسان‌های آزاد و برابر ادامه می‌دهد.

گرامی باد ۱۹ بهمن سالگرد نبرد حماسی سیاهکل
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
بهمن ماه ۱۳۸۹

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی